

امید؛ ابزار فشار

عابد اکبری

کارشناس مسائل بین الملل



در فضای مذاکراتی میان ایران و آمریکا، گاه مهم‌تر از آنچه در میز مذاکره می‌گذرد، چگونگی طراحی فضای روانی پیرامون آن است. مرور تحولات اخیر نشان می‌دهد که طرف آمریکایی از الگوی مشخصی استفاده می‌کند؛ ابتدا با ارسال سیگنال‌های مثبت، فضا را در ایران خوش‌بینانه و آرام می‌سازد؛ سپس بدون دادن امتیاز واقعی، فشار را از مسیر روانی و اجتماعی تشدید می‌کند. شواهدی که از تحلیل‌های اندیشکده‌های مهم آمریکایی در سال جاری منتشر شده، از جمله بررسی‌های مراکزی مانند Rand، Atlantic Council، Carnegie و CNAS، نشان می‌دهد که این رویکرد نه تنها طراحی شده است بلکه بخشی از یک «سیاست مرحله‌ای» در مواجهه با ایران تلقی می‌شود. آنها تأکید دارند که بهترین شیوه برای مدیریت رفتار ایران، ایجاد موج روانی مثبت بدون تعهدات عینی است؛ تا هم افکار عمومی ایران دلگرم باقی‌بماند و هم ساختار تصمیم‌گیری آن دچار تردید و فشار شود. در اولین نشست‌ها با پیام‌های مقدماتی، طرف آمریکایی با مواضعی به ظاهر سازنده وارد می‌شود. لحن دیپلمات‌ها نرم‌تر می‌شود، رسانه‌های غربی از احتمال پیشرفت می‌نویسند، و در داخل ایران هم تحلیل‌گران بازار از کاهش قیمت دلار حرف می‌زنند. اما این وضعیت، نه نشانه گشایش واقعی بلکه طراحی یک فضای روانی خاص است. در گزارش‌هایی که در هفته‌های اخیر توسط چند اندیشکده پرنفوذ آمریکایی منتشر شده، به‌صراحت آمده است که یکی از مؤثرترین ابزارها در قبال ایران، مدیریت انتظارات مردم ایران از مذاکرات است. یعنی بدون امتیاز واقعی، جامعه را در حالت انتظار و امید نگه‌داشت. در این مرحله، جامعه‌ای که به گشایش اقتصادی و توافق امیدوار شده، هرگونه تنش یا توقف مذاکرات را شکست تیم ایرانی تلقی می‌کند، نه بازی طرف آمریکایی. در واقع، افکار عمومی به تداوم «فضای مثبت» وابسته می‌شود. مذاکره‌کننده ایرانی در این وضعیت، زیر فشاری دوگانه قرار می‌گیرد؛ از یک سو، باطرفی مواجه است که سطح مطالباتش را به تدریج بالا برده و از سوی دیگر، با مردمی که مذاکره را تنها راه پرون رفت می‌دانند و حاضر به شنیدن خبر توقف نیستند. در تحلیل‌های راهبردی مراکز مطالعاتی آمریکا بارها بر این نکته تأکید شده که «حفظ امیدواری عمومی» در ایران، اهرم فشار بی‌هزینه‌ای برای آمریکا فراهم می‌کند؛ فشاری که از درون عمل می‌کند، بدون نیاز به تحریم یا تهدید خارجی. در گام بعدی، طرف آمریکایی مواضع خود را سخت‌تر می‌کند، امتیازدهی را به پیش‌شرط‌های جدید منوط می‌سازد و زمان را به سود خود مدیریت می‌کند. اما در عین حال، تلاش می‌کند که روایت عمومی همچنان مثبت بماند. رسانه‌ها از «پیشرفت کند اما پایدار» می‌نویسند و حتی برخی منابع غربی از «پیشرفت پشت پرده» خبر می‌دهند؛ در حالی که در عمل، هیچ امتیاز ملموسی داده نمی‌شود. برخی گزارش‌های اخیر اندیشکده‌های آمریکایی این تاکتیک را «دام امید» نامیده‌اند؛ الگویی که مذاکره‌کننده ایرانی را به سمت امتیازدهی بیشتر می‌کشاند، چون از قطع مذاکرات هراس دارد و نمی‌خواهد مسئول پایان فضای مثبت تلقی شود. به نظر می‌رسد آنچه در ظاهر به عنوان «پیشرفت مذاکرات» بین ایران و آمریکا جلوه می‌کند، در واقع ابزار فشار مرحله‌ای و روانی بر تیم ایرانی است. فهم این راهبرد برای رسانه‌ها، افکار عمومی و تصمیم‌گیران ضروری است. در همین راستا توجه به چند نکته جهت مدیریت رسانه‌ای مذاکرات ضروری می‌نماید: مراقبت از مدیریت روانی جامعه در مواجهه با مذاکرات؛ فضای مثبت ابتدایی نباید به مطالبه غیرواقعی عمومی بدل شود. افشا و تحلیل هوشمندانه تاکتیک‌های طرف مقابل؛ شفاف‌سازی الگوی فشار مرحله‌ای می‌تواند بخشی از دفاع رسانه‌ای کشور باشد. پرهیز از افراط در امیدآفرینی داخلی؛ تیم مذاکره‌کننده باید بتواند در صورت نیاز، مذاکرات را متوقف کند، بدون آنکه هزینه روانی آن برای کشور بالا باشد. در شرایطی که طرف آمریکایی همزمان با ابزار فشار نظامی بر فشار اجتماعی و روانی نیز تمرکز کرده، ما نیز باید فهم دقیقی از میدان واقعی تقابل داشته باشیم؛ میدانی که شاید از میز مذاکرات به ذهن‌ها و افکار عمومی منتقل شده است.

کوتاه

رئیس دفتر رئیس جمهور؛

فقدان برنامه ریزی یکی از رموز اصلی ناکامی مادر برنامه ریزی‌ها است

رئیس دفتر رئیس جمهور آموزش و پرورش را مهمترین فرصت و ظرفیت ساختن آینده و فرهنگ کشور و اصلی‌ترین عنصر تقویت و اعتلای تمدن عنوان کرد و اظهار کرد: در آموزش و پرورش است که افراد برای ایفای نقش‌های مؤثر و جدی تربیت می‌شوند. این یک ظرفیت بالقوه بزرگ است که البته امروز میزان باایفعل شدن آن محل تامل جدی و نقد‌های مؤثر است. محسن حاجی میرزایی با ذکر این مثال که مانع‌اش زیادی داریم تا مئلا سهم مناسبی از منابع مشترک کشور با کشورهای همسایه برداشت کنیم، تصریح کرد: اما آیا نسبت به تربیت مهمترین سرمایه‌های آینده کشور که ۱۲ سال از بهترین دوره عمرشان را با هم‌راهی بی‌مثال خانواده‌ها در اختیار نظام آموزشی هستند، نیز به همین میزان دغدغه داریم! نظام آموزشی کشور سازمان یافته‌ترین، هدفمندترین و منظم‌ترین ساختار ارتباطی رود روپا بدنه اجتماع است که در آن گوش و چشم و ذهن کودکان کشور معطلوف به آموزش‌های رسمی است. وی افزود: همه تلاش خود را به کار بگیریم تا وقتی در پایان دوره خدمت خواستید مسئولیت را تحویل دهید، کارنامه موقفی در زمینه تحقق اهداف نظام آموزشی کشور داشته باشید. رئیس دفتر رئیس جمهور با بیان اینکه در گام اول برای تحقق اهداف نیازمند برنامه هستیم، خاطرنشان کرد: تجربه نشان داده که صرف داشتن برنامه، بدون اتکا به اندیشه و تفکر پشتیبان راهگشا نیست. مفهوم واقعی برنامه داشتن این است که افراد مسئول اجرای آن با هم هم‌اندیشی و هم‌فکری کرده و درباره چسینی اهداف برنامه و راهکارهای تحقق آنها به یک نگاه، زبان و استنباط مشترک برسند؛ یکی از رموز اصلی ناکامی ما در برنامه‌ریزی‌ها، فقدان اندیشه برنامه‌ریزی است.

محمد سلامتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

جدال پزشکيان و افراطی‌ها



مهم‌ترین اقدام پزشکيان مقابلۀ با افراطيون برای

آغاز مذاکرات بود

اگر امور به مخالفان مذاکرات سپرده شود ویرانه

تحویل می‌دهند

آرمان ملی – احسان انصاری؛ محمد سلامتی آخرین دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بوده است. وی همچنین وزیر کشاورزی در دولت‌های رجایی، باهنر، مهدوی کنی و دو سال اول دولت اول میرحسین موسوی بوده است. «آرمان ملی» برای بررسی عملکرد دولت پزشکيان و چالش‌های پیش‌رو و همچنین چشم‌انداز مذاکرات ایران و آمریکا با مهندس سلامتی گفت‌وگو کرده است. سلامتی در این زمینه معتقد است: «باید بین مخالفان مذاکرات تفکیک قائل شد. عده‌ای از تحریم سود می‌برند. عده‌ای مشکوک هستند و موضع آنها با موضع دشمن همپوشانی دارد و عده‌ای

چرا نظام در نهایت پذیرفت که وارد مذاکره شود؟ در

این زمینه پزشکيان و دولت چه نقشی داشتند؟

به نظر من نظام جمهوری اسلامی ایران با اصل مذاکره همواره موافق بوده است اما تا به حال شرایط مناسب برای مذاکره جدی و سازنده وجود نداشته است. شروط سنگین دوازده‌گانه‌ای که آمریکا در اواخر دولت اول ترامپ مطرح کرد، عملاً مذاکرات را ناممکن کرد. در دوره بایدن رئیس جمهوری قبلی آمریکا به رغم اعلام برنامه برگشت به برجام و شروع مذاکرات اما اراده‌ای برای این کار وجود نداشت. این بی‌ارادگی توسط لابی صهیونیستی و افراطیون تقویت شد. البته در داخل ایران نیز توافق با کارشناسی تندروها و آنان که منافع‌ی در عدم توافق داشتند مواجه بود. اکنون شرایط فرق کرده. نه از آن شروط دوازده‌گانه خبری هست و نه از بی‌ارادگی بایدن. محور گفت‌وگو نیز صرفاً ساختن یا نساختن بمب هسته‌ای است. این همان موضوعی است که ایران قبول دارد که مورد بحث قرار گیرد. لذا شرایط مذاکرات فراهم شده است. آنچه که آقای پزشکيان انجام داد مقابلۀ با افراطیونی بود که در هر شرایطی با اصل مذاکرات مخالفت می‌کنند. این خصلت آقای پزشکيان از موارد مهم ویژگی‌های مدیریت کلان است که در نبود آن کارهای اساسی بتلاکلیف می‌مانند.

مهم‌ترین باید‌ها و نباید‌های مذاکره را چه می‌دانید؟

تا جایی که به ایران مربوط می‌شود، این است که باید مذاکرات را جدی گرفت و تلاش کرد تا به نتیجه برسد. نباید درگیر مباحث فرعی و شکلی در مذاکرات شد. اصل باید نتیجه مطلوب مذاکرات باشد، نه شیوه آن.

به چه میزان نسبت به مذاکره و توافق احتمالی با آمریکا خوشبین هستید؟

به نظر من ترامپ نماد یک شخصیت جامعه پیشرفته پست مدرن است. شخصیتی که به هیچ چیز معتقد نیست و در عین حال وانمود می‌کند که به همه چیز معتقد است. چنین شخصیتی نه قابل پیش بینی است و نه قابل اعتماد. اعتبار امضای نیز در پی هر قرارداد و یادستوری ناپایدار است. دستورات، اقدامات و مصاحبه‌های وی از چند ماه اخیر این واقعیت را نشان داده است. اما چنین واقعیتی نباید ایران را از مذاکره منصرف کند، بلکه باید ضمن تأکید بر مذاکرات مسیر نیل به تثبیت نتایج مذاکرات را در ساختار سیاسی آمریکا جست‌وجو کرد.

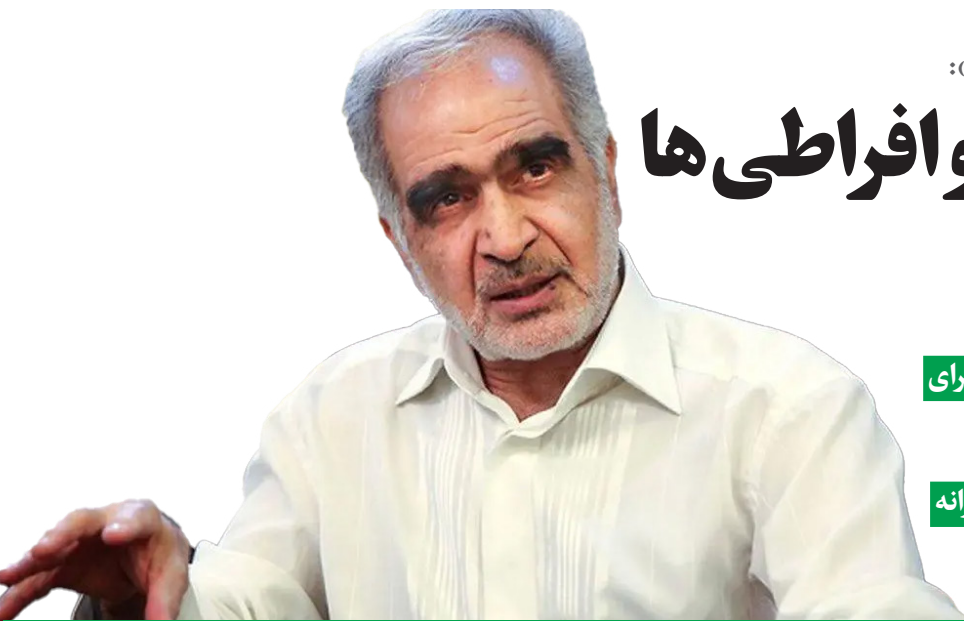
در صورتی که مذاکرات به نتیجه برسد چه چشم‌اندازی پیش روی کشور می‌بینید و در صورتی که این اتفاق رخ ندهد در چه وضعیتی قرار خواهیم گرفت؟

بدیهی است که در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات شرایط مراودات تجاری و اقتصادی ایران بسیار تسهیل می‌شود. این امر به رونق تجاری توسعه اقتصادی و کاهش تورم می‌انجامد. اگر ایران یک کشور عقب افتاده با امکانات محدود بود، ممکن بود چنین آثاری در رفع تحریم‌ها بروز پیدا نکند و یا کمتر نمایان شود. ولی ایران با داشتن امکانات وسیع، نیروهای مجرب فراوان و اثرگذار در منطقه، رفع تحریم می‌تواند تأثیر مثبت زیادی را به ارمغان آورد. البته نباید انتظار داشت که به محض به نتیجه مطلوب رسیدن مذاکرات آثار آن ظاهر شود. مدت‌ها طول می‌کشد تا آثار مثبت ناشی از نتیجه مذاکرات خود را نمایان سازند. اما اگر مذاکرات به نتیجه مطلوب نرسد احتمال اینکه جنگ و درگیری رخ دهد کم است. با این وجود

ادامه از صفحه اول

من قبلاً در یادداشت «موازنه‌سازی میان مصالحه و مقاومت» نوشتم، مصالحه امروز شرط بقای مقاومت فرداست و الاًن هم متذکر می‌شوم موازنه‌سازی میان سرمایه‌گذاری اقتصادی غرب و گسترش فرهنگی شرق در ایران، مهم‌ترین شرط بقای مذاکره ایران و آمریکا و عملیاتی شدن مفاد توافقات است.

۵- تردیدنگاری جدید: مذاکره جدید جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در سازوکار و فضایی جدید و ادبیاتی جدید به پیش می‌رود و هیچ نیازی به طرح تردید نگاری‌های جدید ندارد. تردیدنگاری‌های که به جای تحلیل‌های مبتنی بر واقع‌گرایی، کاملاً به دوقطبی سپید و سیاه منتهی شده که از دل



صادقانه اعتراض می‌کنند و نظرشان این است که به طرف مقابل نمی‌توان اعتماد کرد چون به تجربه ثابت شده که او هر وقت صلاح بداند، هر توافقی را یک طرفه کنسل می‌کند و لذا مذاکره برای توافق فقط وقت تلف کردن است. به نظر من این عده قابل احترامند ولو نظرات افراطی داشته باشند. مدیریت کلان همواره باید از بنانسیل اجتماعی این عده در جهت امتیازگیری در مذاکرات استفاده کند. اگرچه من معتقدم اگر کارها به این عده سپرده شود، بعد از مدت کوتاهی ویرانه تحویل می‌دهند.» در ادامه محاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

تا جایی که به ایران مربوط می‌شود، این

است که باید مذاکرات را جدی گرفت و

تلاش کرد تا به نتیجه برسد. نباید درگیر

مباحث فرعی و شکلی در مذاکرات شد.

اصل باید نتیجه مطلوب مذاکرات باشد،

نه شیوه آن



احتمال اعمال فشار حداکثری از سوی آمریکا و یا استفاده

از مکانیسم ماشه بیشتر می‌شود. در این صورت ایران فشار

اقتصادی بیشتری رانسیست به‌اکنون باید تحمل کند.

به نتیجه رسیدن مذاکرات به چه میزان می‌تواند

زمینه‌ساز حل مشکلات دیگر کشور شود؟

بسیاری از مشکلات اجتماعی ریشه اقتصادی دارند. بیکاری، تورم، فقر، فساد، دزدی، کاهش ازدواج، افزایش طلاق، مهاجرت نیروهای انسانی و... لذا با بهتر شدن وضع اقتصادی، این مشکلات حل و یا تعدیل می‌گردند. علاوه بر این زیرساخت‌های اقتصادی و عمرانی بازسازی و تقویت می‌شوند.

چرا در شرایطی که ورود به مذاکره تصمیم نظام بوده، صدای مخالفان مذاکره از تریبون‌های مختلف بلند شده است؟

باید بین مخالفان مذاکرات تفکیک قائل شد. عده‌ای از تحریم سود می‌برند. عده‌ای مشکوک هستند و موضع آنها با موضع دشمن همپوشانی دارد و عده‌ای صادقانه اعتراض می‌کنند و نظرشان این است که به طرف مقابل نمی‌توان اعتماد کرد چون به تجربه ثابت شده که او هر وقت صلاح بداند، هر توافقی را یک طرفه کنسل می‌کند و لذا مذاکره برای توافق فقط وقت تلف کردن است. به نظر من این عده قابل احترامند ولو نظرات افراطی داشته باشند. مدیریت کلان همواره باید از بنانسیل اجتماعی این عده در جهت امتیازگیری در مذاکرات استفاده کند. اگرچه من معتقدم اگر کارها به این عده سپرده شود، بعد از مدت کوتاهی ویرانه تحویل می‌دهند.

چرا تیم رسانه‌ای دولت قادر به پاسخگویی و تفسیر مطلوب از مذاکرات نیست که فضا به سود مخالفان

مذاکرات تغییر نکند؟

به نظر نمی‌رسد که اکنون فضا به سود مخالفان مذاکرات حرکت کرده باشد. بلکه برعکس کفه تبلیغات موافقین مذاکرات، بیشتر سنگینی می‌کند. ضمناً به نظر من تیم رسانه‌ای دولت از تجربه و توانایی خوبی برخوردار است. شاید بخشی از سنگینی تبلیغات مزبور مدیون این امر باشد.

ترامپ نماد یک شخصیت جامعه پیشرفته

پست مدرن است. شخصیتی که به هیچ

چیز معتقد نیست و در عین حال وانمود

می‌کند که به همه چیز معتقد است. چنین

شخصیتی نه قابل پیش بینی است و نه

قابل اعتماد

شرط بقای مذاکره ایران و آمریکا

آن یک افراط‌گفتمانی متولد شده است. اتفاقاً شخصیت‌های از هر دو جناح سیاسی کشور در تولید این افراط‌گفتمانی سهیم‌اند چون با عبور از تحلیل‌های خاکستری، یا شعار بازگشایی فوری سفارت آمریکا را می‌دهند یا وعده استخرف فرخ را. البته سال‌هاست فضای تحلیل سیاسی در کشور جای خود را به «جنگ تردیدها» داده است. ولی امروز وقت بازگشت به تحلیل‌های خاکستری برای عبور از جنگ تردیدهاست. مذاکره اخیر ایران و آمریکا یکی از شفاف‌ترین مذاکرات دو کشور است که دو طرف باید در کمترین زمان ممکن، نظر

«شنبه‌های گفت‌وگو» روشن بماند و چشم

ایرانیان را بیش از پیش به «فردایی بهتر»

روشن کند. این همان آرزوی دیرین و ابدی

«هاشمی» بود که در انجام بهنگام «بایدها»

و ایستادن مقابل «نابایدها» برای «بقای

ایران» لحظه‌ای از یان‌نشست و همیشگی‌های

بود تا جان بدهد ولی ایران بماند. هاشمی

امروز نیست، ولی یقیناً اگر بود هم از «بایدها»

و «نابایدهای» بقای مذاکره با آمریکا می‌گفت

و هم از ضرورت پایان جنگ سرد با غرب‌ست.

آنهم نه برای بقای خودش که، برای «بقای

ایران.» تهدید هم اگر می‌شد، که شد. از این

بیت ملک الشعراء بهار مددی می‌گرفت و پاسخ

می‌داد که: «آنگاه نیوشند سخن‌های مرا

خلق / کر خون من آغشته‌شود، پیرهن من.»

تلنگر

ایران و عراق و معامله برد– برد

تهران و دور زدن تحریم‌ها

با نزدیک شدن به ماه‌های داغ تابستان، عراق با بحران انرژی جدی روبه‌رو است. دولت دونالد ترامپ در تاریخ ۸ مارس تصمیم گرفت معافیت تحریمی که به بغداد اجازه می‌داد برق مورد نیاز خود را از ایران خریداری کند را تمدید نکند. امواج مدیا مدعی شد؛ واردات گاز طبیعی عراق از ایران هم ممکن است تحت فشارهای حداکثری واشنگتن علیه تهران قرار گیرد. این اقدامات چالش‌های زیادی برای یکی از شرکای ایالات متحده که از کمبودهای شدید برق رنج می‌برد، به وجود خواهد آورد. علاوه بر مسئله معافیت، عراق همچنین به دلیل تحریم‌های ایالات متحده در پرداخت هزینه‌های واردات انرژی از ایران با مشکلاتی روبه‌رو است که منجر به مسدود شدن دارایی‌های ایرانی در بانک‌های عراقی شده است.

راه‌حل میانی عراق

این وبگاه در ادامه مدعی است؛ واشنگتن امیدوار است که این فشارها بغداد را مجبور به جست‌وجوی تأمین‌کنندگان جایگزین کند. اما واقعیت این است که عراق پیش از این هم به دنبال شرکت با کشورهای عربی خلیج فارس، اردن و مصر بوده است. با این حال، افزایش یک راه‌حل پیچیده است و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زیرساخت‌ها دارد. علاوه بر این، طرح‌های احتمالی مانند واردات گاز قطری، به دلیل تنش‌های ژئوپلیتیکی و روابط پرتنش، دوحه با دیگر پایتخت‌های خلیج فارس، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. در میانه این چالش‌ها، یک توافق مبادله گاز که شامل ایران، عراق و ترکمنستان می‌شود به عنوان یک راه‌حل عملی مطرح شده که به بغداد اجازه می‌دهد بدون انجام تراکنش‌های مالی مستقیم با تهران، نیازهای انرژی خود را تأمین کند. نکته مهم این است که این گزاره مسبوق به سابقه است؛ در دوران ریاست‌جو بایدن، رئیس جمهوری پیشین آمریکا توافقاتی میان تهران و واشنگتن انجام شد که به موجب آن بخشی از دارایی‌های ایرانی در عراق به ترکمنستان منتقل شد تا هزینه‌های واردات گاز تسویه‌شود. علاوه بر این، مذاکرات دیپلماتیک ایران و ایالات متحده در عمان احتمال دستیابی به یک راه‌حل برد– برد را افزایش داده. زیرا تهران برای اولین بار وارد گفت‌وگوهای «غیرمستقیم» هسته‌ای با دولت ترامپ شد. به ادعای امواج مدیا، عراق به شدت برای تأمین نیازهای انرژی خود به ایران وابسته است.

کمبود انرژی در عراق

این وبگاه در ادامه مدعی شد؛ فشار فزاینده ایالات متحده بر عراق جهت کاهش وابستگی به انرژی ایران به شدت تجارت انرژی را مختل کرده است و آن را به پایین‌ترین سطح خود رسانده است. می‌ثباتی در واردات گاز از ایران منجر به قطع‌های مکرر و غیرقابل پیش‌بینی برق شده است که میلیون‌ها عراقی را تحت تأثیر قرار داده است. تولید برق اغلب به طور ناگهانی کاهش می‌یابد که باعث اختلالات وسیع در خانه‌ها، صنایع و کشاورزی می‌شود. نیروگاه‌های عراق همچنین به دلیل نوسانات در تأمین انرژی دچار آسیب‌های فنی می‌شوند. در این میان، باید گفت؛ چندین عامل در عدم ثبات عرضه گاز ایرانی مؤثر بوده‌اند. اولین و مهم‌ترین عامل، افزایش تقاضای داخلی انرژی در ایران – به ویژه در فصل زمستان – است که منجر به کاهش صادرات گاز به عراق در دوره‌های خاص می‌شود. این وضعیت پیش‌بینی می‌شود که در ماه‌های آینده تشدید شود، زیرا ایران ممکن است تا کمبود ۳۰ گیگاوات مواجه شود که مقامات تهران را مجبور کرده است تا عرضه به صنعت داخلی را محدود کنند. علاوه بر این، کمبود قابل توجهی در توسعه زیرساخت‌ها وجود دارد. به دلیل تحریم‌های سال‌ها بر ایران، صنعت گاز این کشور با مشکل سرمایه‌گذاری مواجه بوده است که محدودیت‌هایی را در ایجاد کرده است. در نهایت، عرضه گاز ایران تحت تأثیر مشکلات پرداخت قرار گرفته است. عراق در تسویه حساب‌های خود با مشکلاتی روبه‌رو بوده است؛ زیرا تحریم‌های بانکی ایالات متحده باعث مسدود شدن میلیارد‌ها دلار از درآمدهای صادرات گاز ایران در بانک‌های عراقی شده است.

یک توافق برد– برد

هم ایران و هم عراق انگیزه‌های قوی برای یافتن راهی برای ادامه تجارت در حوزه انرژی دارند و روش‌هایی برای دستیابی به این هدف بدون مواجهه با دولت ترامپ وجود دارد. یکی از راه‌حل‌های عملی، مبادله گاز سه‌جانبه‌ای است که شامل ترکمنستان می‌شود. در این توافق، عراق گاز را مستقیماً از ترکمنستان خریداری می‌کند و هزینه آن را بدون دخالت ایران در تراکنش مالی پرداخت می‌کند. سپس گاز از طریق یک خط لوله موجود به ایران منتقل می‌شود، که ایران تا ۳۰ درصد از عرضه برای مصرف داخلی در مناطق شمالی خود به جای پمپاژ گاز از جنوب استفاده می‌کند. معادل ۷۰ درصد باقی‌مانده از گاز ترکمنستان از طریق میدان‌های گازی جنوب ایران به عراق منتقل می‌شود.